اتمام حجت الهی بغیر هم زبانهای پیغمبران حقه بکدام طریق حاصل می شود

می‏فهماند که قرآن کلامی نیست مثل کلامهای بشری و آوردن نظیر آن خارج‏ از قوه‏بشر است و آن کلامی است که بواسطه روح الامین از جانب رب العالمین‏ بقلب منور حضرت سید المرسلین نازل گشته است.

اتمام حجة الهی بغیرهم زبانهای پیغمبران حقه‏ بکدام طریق حاصل میشود

پرواضح است که پیغمبران اولی العزم و سفراء صاحب کتاب،و آیین(صـ م ع) بتمامی سکنه کره زمین مبعوث،و بر عموم بشر اطاعت اوامر و نواهی آن نخبه‏های‏ نوع انسانی در دوره رسالتشان لازم میباشد،و هرگز بحکمت بالغه حکیم مطلق‏ موافق،و مناسب نبوده که بعدد بلدان و امصار رسولی انتخاب و برای هریک ممالک‏ قانونی تشریع،و به شماره زبانها کتاب مستقل بفرستد چه که همه ممالک بالنسبه‏ بخالق ملک واحد،و همه مردم بمنزله اهالی یکخانواده میباشد،و قوانین متحده‏ راجع بهمه،و جامع صلاح جمیع اهالی کره کافی است و علاوه از اینکه زیاده از و چنانکه در کتاب اول برقم رفت سنت الهی بصریح آیه قرآنی آنست که باید کتاب هر پیغمبر بلسان همان قوم(که بدوا تاسیس دعوت در میان آنها گشته) نازل گردد.

بس اکنون بفهمیم که حجت الهی بسایرین که همزبان بآنقوم نبودند بچه‏ تمام میشود؟مثلا کتاب حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه الصلوه و السلام عبرانی و تبیغات آن بزرگوار هم بآن زبان بود،و آنحضرت مسلما بهدایت جمیع مردم قیام فرموده‏ بود،و جمیع مردم در دوره رسالت آنبزرگوار مامور باطاعت او بودند،بس اتمام‏ حجت بکدام طریق حاصل است؟و این هم ناگفته پیداست که خداوند متعال‏ تکلیف بلا بیان و الزام بدون برهان نمی‏فرماید بلکه چنانچه خودش میفرماید 1(و علی اللّه قصد السبیل)بحضرت ذی الجلال باقتضای عدل،و حکمتش لازم آنکه‏ بواسطهء معجزات با هرات،و نشانه حقانیت رسالت رسول خویش را بطوری‏ واضح و آشکار سازد که عمومرا بدون تقلید کورکورانه بطور سهل و ساده‏ فهمیدن صدق آنسفیر الهی ممکن،و میسور باشد همینکه خداوند متعال راه راست‏ را نشان و حقانیت نماینده خود را آشکار فرمود آنوقت اتمام حجت بعموم،چه‏ همزبان،و چه غیرهمزبان حاصل میگردد-چه که بعد از آنکه مردم فهمیده‏اند و دانستند که آن رسول الهی است امر و نهیش نهی و امر خالق عباد است عقلا لازم است که فرامین او را بهر طریق باشد تعلم نموده و عمل نمایند بعبارت دیگر چنانکه انسان پس از آنکه فهمید که فلانی طبیب و این باو محتاج است کتاب و زبانش را لابد بهر واسطه که در نزد عقلا محبوب باشد باید یادمیگیرد و از دستورات و مقرراتش آگاه باشد تا معالجه امراض خود نموده و از آنها بهبودی حاصل کند هم‏چنین در صورتیکه محقق گشت که فلان ذات باشرافت از جانب حضرت‏ معبود بحق بطبابت ارواح مامور و مخلوقات خدا هم مامور بتهذیب نفوس و معالجه‏ امراض روحانی بموجب دستورات صحیحه وی میباشند عقلا لازم است بهر وسیله‏ ممکنه از تعالیمش اطلاع تحصیل نموده و بفرموده او تکمیل نفس و رفع رذایل‏ اخلاق و امراض روحی بکنند و الا گرفتار شقوت دائمی خواهند شد.

(1)یعنی بخداوند لازم است که راه‏راست و میانه را ارائه فرماید